

# سخن نهاد

دکتر علی‌رضا عندلیب / رئیس نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران

سال‌ها پیش داستانی را شنیدم که هر گاه به تهران می‌اندیشم آن را به یاد می‌آورم؛ دو مرد در کنار دریاچه‌ای مشغول ماهیگیری بودند. یکی از آن‌ها ماهیگیر با تجربه و ماهری بود اما دیگری ماهیگیری نمی‌دانست. هر بار که مرد باتجربه یک ماهی می‌گرفت، آن را در ظرف یخی که کنار دستش بود می‌انداخت تا ماهی‌ها تازه بمانند. اما دیگری به محض گرفتن ماهی بزرگ آن را به دریا پرتاب می‌کرد و مجدداً تور را در آب می‌انداخت. ماهیگیر با تجربه که از این صحنه در تعجب بود پرسید: چرا اینکار را می‌کنی؟ مرد جواب داد: آخر، ماهی تابه من کوچک است ...

تهران ما نیز فرصت‌های بزرگی را که خداوند به ما ارزانی می‌دارد تاکنون از آن به درستی بهره‌نموده‌ایم است و از دست می‌دهد، چرا که تاکنون ظرف‌مان برای تهران کوچک بوده و نگاه "کلان‌شهری" به آن نداشته‌ایم؛ نگاهی جامع برای مدیریت بر تهرانی که شایسته پیشرفت‌های عظیم و شتابدار است ...

اگر به این باور برسیم که خداوند هیچگاه چیزی را که شایسته آن نباشیم به ما نمی‌دهد آن گاه یقین خواهیم داشت که این موهبت عظیم خداوندی که شایستگی و لیاقتش را داریم نباید به این سادگی از دست بدهیم ... ورود به هزاره سوم میلادی برای ملتی که خود بیش از سه هزار سال سابقه تمدن دارد، قطعاً الزامات بسیاری را می‌طلبد. تحقق آرمان‌های بلند بنیانگذار انقلاب اسلامی در ایجاد وحدت و انسجام ملی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی، با رویکرد دست‌یابی به توسعه پایدار ملی و نیازمند یک برنامه‌ریزی از جمله در حوزه مدیریت شهری، از شعار تا عمل، فاصله زیادی را باید طی نماید تا منجر به تولید دانش حاکمیت خوب شهری و تأمین رشد و بالندگی و تولید متکی بر عقلانیت جامع‌نگر و سیستمی شود. بنابراین اگر قرار است که همه دست به دست هم دهیم و تهران را از تنگنای یکسویه‌نگری و نگاه تک‌بعدی و «هر کس برای خودش» نجات دهیم، اولین عملیات، آزادسازی تهران از طرح‌های غیرواقع‌گراست و رهایی آن از مدار توهم کسانی است که می‌خواهند یک شبه تهران را در صدر دانش و اقتصاد دانش‌محور و مدیریت دانش‌زا قرار دهند.

دومین گام اساسی ما این است که بیاییم و شواهدی را قبول کنیم. باید بپذیریم که:

- خطرات ناشی از زلزله در تهران، حتی می‌تواند یکپارچگی کشور را تهدید کند.
- از نظر ضریب امنیتی و شرایط شهر امن، تهران به شتاب نیاز دارد.
- در تمام طرح‌های ما، مردم از طرح جلو افتاده‌اند.
- صرف صدور مصوبه، واقعیت کنترل را در خود ندارد چه برسد به اجرا.
- تهران به مثابه یک موجود زنده است. باید مکانیزم دفاعی خاص خودش «که هوشمندانه عمل می‌کند» را به کار گیرد. اما نکته این جاست که این مکانیزم تا زمانی باقی است که این موجود در شرایط حاد قرار نگیرد، در غیر این صورت میرا می‌شود و از بین می‌رود.
- تشکیلاتی باید مسئولیت برنامه‌سازی "خودترمیمی" تهران را بپذیرد و این خودترمیمی نباید طولانی شود و از یک نسل به سه نسل دیگر برود.
- اگر مطالب فوق‌الذکر را قبول کنیم، دیگر ساده‌نگری است بپذیریم که می‌توان با اتکاء به برداشت داده‌هایی از شهر و یکسری دقت‌های هندسی و جداول تعیین سرانه و در نهایت تولید نقشه و ضوابط، حال و آینده یک شهر بزرگ را بسته بندی و تکلیف کرد.
- ساده‌نگری است اگر بپذیریم که می‌توان بدون استحصال پاسخی شایسته و منعطف به تغییرات و تحولات فرادستی، بدون لحاظ کردن نگاه مدیریت شهری و بدون ملاحظاتی و تنگناهای اجرا و بدون ملاحظه تراز مالی و درآمدهای لازم برای نگهداری و خدمات شهر، بخواهیم برای یک دوره ۲۵ یا ۳۰ ساله، آن هم بدون "آینده‌پژوهی متقن" و بدون در نظر گرفتن میدان وسیع رقابت‌های درونی و بیرونی، وضعیت و موقعیت شهر و شهروندان و سیستم‌های شهری را تعیین کرد.

ساده‌نگری است اگر کسی ادعا کند که برای برنامه‌ریزی شهری مثل تهران رفتارهای آینده آن را به صورت یک سیستم پویا، مدل کرده و راهبردهایش را نیز کشف نموده است.

سهل‌انگاری است اگر کسی ادعا کند که تأثیرات شگرف پارادایم فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات را بر شهر و سیستم‌های شهر و شهروندان، استنباط کرده است و سپس توانسته آن را در چارچوب شرح خدمات، طراحی و تحت ضوابط مرسوم درآورد. ساده‌پنداری است اگر کسی ادعا کند علل و عوامل ناکامی طرح‌های جامع پیشین را به درستی استخراج کرده و این طرح‌ها را از آسیب‌ها و علت‌ها مصون نموده است ...

به‌راستی و واقعاً تاکنون کدام یک از اسناد طرح‌های جامع به صورتی "آینده‌پژوهانه" به شناسایی دقیق چالش‌ها و مسائل حال و آینده تهران و وزن‌دهی مقایسه‌ای و اولویت‌بندی آن‌ها پرداخته است؟

به قول برادر ارجمندم جناب آقای دکتر "قالیباف" دوران برنامه‌ریزی "متمرکز"، "امرانه" و "خطی" سپری شده است و تهران نگاه تازه‌ای را برای چشم انداز بر جهان طلب می‌کند.

بر این اساس، با نگاهی تعمیق یافته بر تاریخ تهران تا به امروز، نکاتی پیش روی ما خواهد بود:

- ۱- کاربران شهرها (اعم از شهروندان و همه ذی‌نفعان شهر) بیش از پیش به حقوق، منافع و مسئولیت‌های خویش پی‌برده‌اند و با مشارکت‌جویی و تصریح انتظارات خویش نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت و توسعه شهری دارند.
- ۲- معضل اصلی تهران در واقع میراث‌الگوهای اقتصای نامتناسب و روندهای هدایت‌نشده و نظام‌های جزیره‌ای و غیر یکپارچه و بالاخص فقدان آینده‌پژوهی و فقدان آرمان یا به عبارتی چشم‌اندازی قوی بوده است.
- ۳- امروز همگان بر این باوریم که موضوع مدیریت شهری، موضوعی فرارشته‌ای است و نباید در انحصار مهندسان عمران و حتی شهرسازی و طراحی شهری باشد، چرا که توسعه پایدار شهری به همه وجوه حیات جمعی شهروندان و شهر ارتباط وثیق و عمیق دارد.
- ۴- همه اهداف در مدیریت شهری باید بر این ارکان استوار باشد؛

● مدیریت یکپارچه و پایدار شهری؛

● پایداری و بالندگی اقتصادی شهر؛

● کارآمدی و بهره‌وری کلیه ظرفیت‌های شهری؛

● پایداری هویت و انسجام فرهنگی - اجتماعی جامعه شهروندی؛

● پایداری محیط و منابع زیستی و ارزش‌های طبیعی شهر و پیرامون آن؛

● پایداری کالبدی و کارکردی شهر؛

● پایداری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی

۵- باور داشتن ناکامی و ناکارآمدی اندیشه خام و منسوخ «خلاصه کردن هدایت شهر در الگوهای منطقه‌بندی و تعیین کاربری اراضی و اتکاء به ضابطه‌گذاری و بخشنامه‌نویسی برای کنترل تحولات شهر حتی تحولات کالبدی».

ما مترصدیم که نهاد، تمامی ابعاد توسعه شهری را برنامه‌سازی کند و دیده‌بان برنامه همه فعالیت‌های شهر باشد. به عبارتی رویکرد نهاد، هدایت و مراقبت بر شهر تهران باشد و به همه مسائل بپردازد؛ دپارتمان‌های مختلف داشته باشد؛ و به طور مداوم دیده‌بانی، بررسی، پژوهش و مطالعه کند و همه اسناد را چه به‌صورت مجرد و چه به‌صورت تلفیقی به مراجع تصویب ارائه دهد. علت این امر آن است که ما نمی‌توانیم مسائل کالبدی را از مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سایر مسائل جدا کنیم. و لازمه چنین امری این است که صرفاً دیدگاه کارشناسی بر آن حاکم باشد، نه دیدگاه سیاسی و مدیریتی. و نیز به‌گونه‌ای عمل کند که با تغییر مدیریت‌ها برنامه‌های شهری تغییر نکند. در این صورت دائماً مرکز و نهادی وجود دارد که به همه مسائل شهر حساس است و همیشه مدیران شهری، چه آن‌ها که آمده‌اند و مانده‌اند و چه آن‌ها که تازه می‌آیند، همیشه احساس می‌کنند که برای شهرشان برنامه دارند و می‌توانند برای شهرشان «طبق برنامه» عمل کنند. البته اولویت‌ها را می‌توانند تغییر دهند، چرا که هر مدیریتی و یا هر شورای شهری، رویکردهای متفاوتی دارد، اما تغییر اولویت‌ها به معنی تغییر مبانی استخوان‌بندی برنامه‌ها و راهبردها نیست.

بنابراین "نهاد" تصمیم‌سازی می‌کند نه تصمیم‌گیری... برنامه‌سازی می‌کند و با تعیین اولویت‌ها بر مبنای تشخیص دستگاه‌ها آن را نیز "برنامه‌ریزی" می‌کند. با این حساب، الزاماً بزرگ‌ترین دستاورد این نهاد، ایجاد دامنه گسترده‌تر "مشارکت" بین دستگاه‌های ذی‌ربط و متولیان امر است.

ما در برنامه‌های نهاد «همه» را در سطوح و لایه‌های مختلف "مسئول" می‌دانیم: استانداری، شهرداری، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور، شورای شهر و دیگران. در حالی که سال‌ها پیش، صرفاً یک شرح خدمات بوده و یک قرارداد بین وزارت مسکن و مشاور، که بعد هم طرح جامع تهیه و سپس تصویب و ابلاغ می‌شد، یعنی همان کاری که در بسیاری از شهرها اتفاق می‌افتد.

نتیجه این که نهاد اساساً یک جایگاه به معنای سازمان یا دستگاه نیست، نهاد یک شأن است، یک بستر است برای تولید برنامه مورد وفاق همه، در جهت آینده‌سازی شهر ...

خصلت "نهاد" چیست؟ بارزترین خصیصه نهاد «دائمی» بودن آن است، زیرا ویژگی آن "دیده‌بانی" است یعنی "مراقبت" از حال، با توجه به آینده ... لذا عملیات "بازنگری" اسناد جزء وظایف اصلی نهاد است.

خلاصه کلام اینک:

«نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران»، ساختاری است که به عنوان یک مرجع تشخیص، مسئولیت برنامه‌سازی و تزریق آن را به تمامی مجاری تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرایی دارد و سیر نهادینه شدن این ساختار، خود فرآیندی است که مقدمه یک تحول در نظام شهرسازی کشور است. اهم تلاش "نهاد" نیز این است که شبکه مناسب توزیع فعالیت را تا حد امکان بر شبکه تمرکزگرایی سیطره بخشد و غالب گرداند که به حول و قوه الهی تلاش ارزنده‌ای را در این راستا آغاز کرده و به ویژه طی یک‌سال اخیر از نمود و برجستگی چشمگیری برخوردار بوده است. ایجاد یک نظام جامع مطالعاتی برای گسترش فعالیت‌های پژوهشی در رسیدن به خواسته‌های سند چشم‌انداز و نهادینه نمودن تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی در حوزه «مدیریت شهری» به طور جدی و همه‌جانبه مترصد است بحث دست‌یابی به توسعه پایدار شهری را دنبال کند و این چیزی جز یک «چهاد علمی در حوزه مدیریت شهری» نیست. لذا اینک که به لطف خداوند سبحان این جریان قدرتمند علمی آغاز شده و به زودی محصولات علمی و پژوهشی خود را تولید و ارائه خواهد داد نه تنها جای یک نشریه علمی خبری که این تحولات را به روز و به موقع به اطلاع علاقمندان و صاحب‌نظران برساند خالی است، بلکه فقدان یک نشریه وزین علمی پژوهشی که جایگاه عرضه و نشر دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها و دستاوردهای مذکور باشد نیز بسیار محسوس است.

اقدام نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران در انتشار ویژه‌نامه نهاد توسعه تهران گامی بزرگ در راستای توسعه علمی است که هم‌اکنون اولین شماره آن به باری خداوند متعال و به برکت کوشش همکاران انتشار یافته است. این اقدام را به فال نیک گرفته و آن را به همه دست‌اندرکاران جهاد علمی و اندیشمندان و صاحب‌نظران تقدیم می‌دارد.